

احساس خفگی می‌کنم

□ عبدالواحد رفیعی (ع. فروغ)

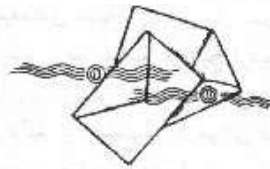
سلام! معمولاً با صدای خروس از خواب برمی‌خیزم، بدان جهت که مرغدانی درست برابر اتاق من واقع شده. بعد مدتی صبر می‌کنم تا اذان ملای مکتب، که از فراز مسجد بلند می‌شود. بدین صورت است که صبح یک روز دیگر از زندگی‌ام آغاز می‌گردد. دود و دم تنور و بعد بوی نان داغ و تازه و بعد صبحانه که معمولاً شیر و چای و یا مسکه (کره) و چای است. همه چیز را می‌توان از تاقچه‌های خانه‌مان پیدا کرد. نه صف نانوايي داریم، نه شیر شیشه‌ای و نه کره ۲۵ گرمی که همداش یک سوم لقمه پدر کلان من می‌شود. و آن‌گاه هر کسی به وظیفه‌اش مشغول. مادرم به دوشیدن و مشک‌زدن، همسر به پخت‌وپز و پدرم به سوی مزارع و باغ و من به سوی مدرسه و تدریس.

دوستان عزیزم! این پارهای بود از روز مژگی‌های من. به قول سهراب، «روزگارم بد نیست» با این وجود، کاستی‌هایی وجود دارد. احساس خفگی می‌کنم. زنجیری نامرئی دور گلویم و گلوی همه مردم کشیده شده که به اندازه قد و قامت ریش‌مان می‌توانیم گپ و سخن و فریاد بزنیم. وجود دستار اجباری، یک نوع انجماد و خمودی روی معزمان به وجود آورده. یک سایه ترسناک، همه‌جا ما را تعقیب می‌کند. حتی در دل‌مان و در سینه‌مان نیز نمی‌توانیم از چیزی شکایت کنیم، مبادا که دچار کفر و ارتداد شویم. از آن جهت که مسلمانیم، مجبوریم در همه امور زندگی‌مان خط سرخ شریعت را مراعات کنیم. از آن جهت که در اداره امارت هستیم، همیشه باید گوش به فرمان امیرالمؤمنین باشیم. از مأموران امر به معروف به آن اندازه حساب می‌بریم که وجود تکبر و منکر را فراموش کرده‌ایم و در خلوت‌مان نیز جرأت نمی‌کنیم به ریشمان توهین کنیم. کارمان شده انجام نماز استسقا (باران طلبیدن) ولی آسمان که قابل دسترسی نیست و از مأمورین امر به معروف به دور است، ککش هم نمی‌گردد.

خشک است و خشک، و زمین نیز... چنان گوش به زنگ فرامین امیرالمؤمنینم که قرآن را فراموش کرده و به حقیقت آن شک کرده‌ایم... بگذریم که گفتنی هفتاد و دو من کاغذ می‌شود. دوستان عزیزم! آرزو مندم هر چه زودتر شفق زندگی آزاد توأم با آرامش سرزند.

نامه‌هایی از بعضی از دوستان به دستم رسید. خوشحال شدم. واقعاً شادی آفرین بود. برای خودم امید آفرین، بدان جهت که کسی است که مرا به یاد دارد و تقریباً آزادانه تنفس می‌کند. امیدوارم نامه‌های دیگری نیز برای حقیر ارسال دارید. یک جلد از شماره اخیر درّ دری نیز به دستم رسید. خوشحال شدم. متشکرم. استاد گرامی آقای مظفری! امیدوارم فراموشم نکنی و فراموشم نشوی.

غزنی، ۱۵ / ۲ / ۱۳۸۰



سنگ بنیاد

□ محمد زمان دهقانزاده

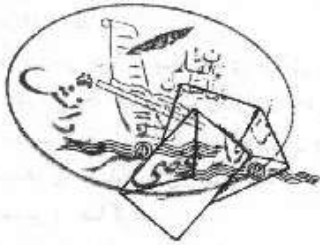
برادر نهایت محترم، آقای سید ابوطالب مظفری سردبیر مجله درّ دری السلام علیکم و رحمة الله و برکاته!

خدا کند که صحت کامل داشته باشید. ما برادران شما ساکن شهر کوئته پاکستان از کارهای علمی و فرهنگی شما بی نهایت خوشحال هستیم، به خصوص از روزی که نشر و چاپ مجله سراج و درّ دری آغاز گردیده است و امیدوار هستیم که این مجله‌ها برای پیشرفت فرهنگ و کلتور ملت ما سنگ بنیاد واقع گردد و به خصوص برای مردم کوئته پاکستان که تحت تأثیر فرهنگ و زبان اردو واقع شده‌اند. این مجله‌ها کارهای کلیدی را کنند که مردم ما پس طرف فرهنگ و تاریخ ملت‌شان فکر کردن و نوشتن را آغاز کنند و این مجله‌ها با این دانشمندان بزرگ ملت ما برای مردم کوئته الگو واقع گردد.

بنده هم یک افسانه که اثر نویسندگانی ویتنامی می‌باشد و خودم ترجمه کرده‌ام، به دست یکی از دوستان راهی می‌کنم. امیدوارم

که مورد توجه و علاقه شما دوستان قرار گیرد و به چاپ برسد تا در آینده هم یک پل روابط فرهنگی بین ما و شما دوستان ثابت شود. از لطف و مهربانی شما خیلی خوشحال خواهیم شد. والسلام علیکم

۲۰۰۰ / ۲ / ۱۰



این یادگار نیاکان

□ محمد علی شاکر یکتا (شاعر ایرانی)

دوست عزیز و فرهیخته جناب آقای مظفری!

سلام گرم مرا بپذیرید. شماره ۳ تا ۸ مجله درّ دری و دو فصلنامه سراج به دستم رسید. آقای راسخ زحمت کشیدند و پیام شما را به من رسانیدند. خوشحالم از این‌که شاعران افغانی، با وجود مرارت‌ها و سخت‌کامی‌های ناشی از جنگی خانمان‌سوز، درخت استوار و پربرابر و برگ شعر دری، این یادگار نیاکان را این‌گونه صمیمی پاس داشته‌اند.

زبان، دریچه اندیشه ما به جهان بیرون است و عنصری است پویا که می‌توان از آن برای رواج معنی‌های واقعی زندگی بهره گرفت. مسلماً شاعران آگاه که مدنیت جدید را بدون نام قانون و عدالت تفسیر نمی‌کنند و هیچ‌گاه در دام خودمحموری‌های سیاست‌مداران و حاکمان نمی‌افتند، بیش از هر چیز در معناهای زبان احتیاط می‌کنند و بدون تردید ماندگاری شعر فارسی در طی قرون، نتیجه همین خود آگاهی است.

فرقی نمی‌کند ما فارسی را چه معنا کنیم. تاریخ بیهقی و مثنوی مولانا و گلستان سعدی و حدیقه الحقیقه سنایی و ده‌ها اثر کلاسیک دیگر سر در یک آبشخور دارند که اشتراک فرهنگی امروزین ملت‌های فارسی زبان را تضمین می‌کنند. امروز نیز شعر معاصر فارسی که با نام شاعران بزرگ ایران، تیمایوشیچ، احمد شاملو، فروغ فرخ‌زاد، سهراب سپهری، اخوان ثالث، دکتر شفیعی کدکنی و ده‌ها نام دیگر شخصیت فرهنگی زبان امروز و ادبیات معاصر را معنا



می‌کند نیز تأثیر خود را بر خطه‌های فارسی زبان نهاده است.

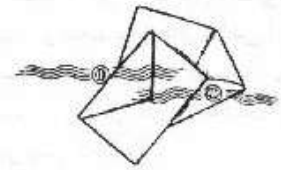
شکی نیست که این خردمداری شاعرانه دوستان افغانی در رسانیدن پیام ملت دردمند افغانستان به جهانیان بسیار مؤثر خواهد افتاد و «درد مشترک» انسان‌های منطقه را به همه جهانیان خواهد رسانید.

شعر بدون ادراک بارقه‌های آزادی و عدالت، مفهومی نخواهد داشت و آزادی نامی است به عظمت همه بشریت که نمی‌توان آن را در عقیده‌ها و مسلک‌های خلق‌الساعه و ناپایدار تفسیر و معنا کرد.

به هر حال امیدوارم راهتان با موفقیت و سربندی قرین باشد.

درباره شعرهای منتشر شده در دزدی امیدوارم در آینده، دیدگاه خود را در مقاله‌ای برایتان ارسال کنم. خوشحالم که می‌بینم شعر افغانستان می‌رود تا زبانی تازه‌تر و نگاهی نوگرایانه‌تر بیابد. سلامم را به همه دوستان برسانید.

تهران - ۲۲ بهمن ۱۳۷۸



جز این که سکه روی دیگری همداشته باشد

□ سید زکریا راحل

با سلام و آرزوی سلامتی مدام و پیروزی‌های بزرگ و همیشگی برای شما! من یک سال‌واندی است که در زیر آسمان این سرزمین در کار نگهداری دم و بازدم‌های بدترین شرایط ممکن حیات ذلت‌باری هستم که بی‌شک آمیزه‌ای از بدترین نوع مرگ و ناانسانی‌ترین گونه زندگی است.

بودن مشترک هر دوی ما در سرزمینی که اصلاً مشترک نیست، ایجاب می‌کند و می‌کند که در این مدت، هم به خاطر حق بزرگی که شما بر من دارید و هم به خاطر امکان برقراری مرادده‌ای حداقل مکاتباتی - که باید فتح باب آن هم به همان دلیل از جانب من صورت

می‌گرفت - با یکدیگر مرتبط می‌بودیم.

ولی پیش از آن که من عذر تقصیرهایم را به پیشگاه شما عرضه کنم، خود می‌دانید که عصر حاضر اگر چه عصر ارتباطات است، اما بیش از هر زمان دیگر عصر بحران ارتباط نیز هست. این‌جا برای جماعتی بیگانه و بی‌وطن مانند ما، سرزمین فراق‌ها و افتراق‌های ناگزیر از عزیزترین و گرامی‌ترین کسانی است که آدم نسبت به آن‌ها در خودش احساس عشق راستین و ریشه دار و هم‌سرشتی ازلی فکری و درونی می‌کند.

اگر برای «نیاز» ریشه و رویشگاه و منزلت و مرتبتی فراتر و فراخ‌تر از ساحت پاورها و برداشت‌های منحنی و محدود در منحنی کوتاه بده - بستان‌های روزمره عوامانه قائل شویم و خاستگاه آن را در زوایای پنهان و هزار توی اقالیم سعه روان انسان که اصالت و قداست ازلی و آسمانی دارد به جستجو برخیزیم و هم در اشتقاق صیغه‌های مشکله سیاسی از این حقیقت انکارناپذیر پرهیز نماییم؛ بی‌هیچ تردید و تزلزلی در رأی و گزینش و تشخیص خود باور خواهیم کرد که: نیازمندترین موجودی که انسان نام دارد، منم. چرا من به عنوان کسی که چیزهای اندکی از «انسانیت» فهم کرده است؛ با بی‌بهرگی و ناپرخوداری تمام از مصاحبت همفکران و هم‌زبانان خود در غیرانسانی‌ترین محیط کثیف و متعفن - کارگری در کیف‌دوزی با ۱۷ ساعت کار در شبانه روز - نفی و نقله می‌شوم و این - فکر می‌کنم - زیاد عادلانه نیست، جز این که سکه روی دیگری هم داشته باشد و عادلانگی این سرنوشت را با استاد به مقررات و مقدرات غیبیه خارج از حوزه و محدوده دسترسی و صرف بشر به اثبات برساند، اکسپدی که همه مرارت‌ها و تلخکامی‌ها و شکست‌ها و بن بست‌ها را خوشایند و دلپذیر می‌سازد.

به هر حال چیزی که می‌خواستم از شما بخواهم، این بود که در ارفاق و انفاق انفسا قدسیه و رأفت و عاطفت روح رستگار و آراسته‌تان به این نومید از کاروان بازمانده مغنوم امساک نورزید و با نامه‌ای، نویدی، پیکی، پیامی و هر چیزی از این قبیل، این جان خسته و روان آلوده به اندوه را بسنوازید، هم‌چنان‌که همیشه این چنین بوده است. به امید آن که شما هم همیشه آن‌چنان باشید.

مشتاق زیارت و محتاج به دعای تان

قم - ۱۳ / ۶ / ۷۹



در فاصله انتشار شماره دوازده و سیزده فصلنامه دزدی، فرهیختگان و دانشوران عرصه ادب و هنر و دانش، از دور و نزدیک، با نامه‌ها و مکاتبات‌شان، ما را مورد تفقد و نوازش قرار داده‌اند. از آن جهت که حجم نامه‌ها زیاد بود و امکان انعکاس تک‌تک آن‌ها وجود نداشت، بعضی از آن‌ها که متناسب با مشرب پیک راستان بود به دست چاپ سپرده شد و از بقیه فقط به ذکر اسامی اکتفا گردید. امید است که این محبت‌ها هم چنان استمرار یابد و بر امتنان اهالی مجله بیفزاید.

با تشکر

فصلنامه دزدی

نام / مبدأ / تعداد نامه

- سید زکریا راحل / ایران، قم / دو نامه
- قاسم قاموس / ایران، تهران / یک نامه
- دکتر سلیم مجاز / امریکا / دو نامه
- محمد زمان دهقان‌زاده / پاکستان، کویته / یک نامه
- محمد ناصر رهیاب / افغانستان، هرات / یک نامه
- راوی پدرود / امریکا / یک نامه
- دکتر عبدالسمیع حامد / دانمارک / سه نامه
- آمنه محمدی / ایران، زابل / یک نامه
- محمد علی شاکری / ایران، تهران / یک نامه
- پویا فاریابی / انگلستان، لندن / یک نامه
- حسین فخری / پاکستان، پشاور / پنج نامه
- عبدالواحد رفیعی / ایران، اصفهان / یک نامه
- عبدالواحد رفیعی / افغانستان، غزنی / یک نامه
- مجمع انامیه قندهار (حاج محمد شریف حسدی) / ایران، مشهد / یک نامه
- مرکز فرهنگی جوانان (نشریه جوانان مهاجر) / ایران، مشهد / یک نامه
- محمد قاضی‌زاده (جریده اتفاق اسلام) / افغانستان، هرات / یک نامه
- مجتمع فرهنگی مهاجرین افغانستانی (هیدر



- قاسمی / ایران، مشهد / یک نامہ
- محمد علی شعاعی (مطالعات ایرانی و بین المللی) / ایران، تهران
- احمد شاه احمدی (مجله فرهنگی ادبی جوانان و اطفال) / دانمارک / یک نامہ
- رھرو عمرزاد (مدیر مسؤول گاہنامہ هنر) / پاکستان، پشاور / یک نامہ
- دبیرخانہ مجمع علمای شیعه و سنی افغانستان / ایران، تهران / یک نامہ
- مفتی لطف اللہ حکیمی (اطلاعات و کلتور ہرات) / افغانستان، ہرات / یک نامہ
- ادارہ ماہنامہ صبا / پاکستان، پشاور
- آمتہ نوروزی / ایران، تهران / یک نامہ
- علی رضا خلیفہ زادہ / ایران، بندر گناوہ / یک نامہ
- معصومہ احمدی / ایران، تهران / یک نامہ
- حسین خاوری / ایران، بیرجند / دو نامہ
- حسینیہ و کتابخانہ حضرت زینب / ایران، مشهد / یک نامہ
- مرکز فرهنگی آموزشی وفاق (عبدالقیوم آبتی) / ایران، قم / یک نامہ
- مدیر مسؤول نشریہ کانون روشنگران افغانستان، صدیق رھبر طرزی / آلمان، گت تینگن / یک نامہ
- انجمن اسلامی جوانان و محصلین افغانستانی (سید اسماعیل ہاشمی نژاد) / ایران، مشهد / یک نامہ
- کتابخانہ امیرالمؤمنین (قاسمی) / ایران، تهران / یک نامہ
- خالد نویسا / پاکستان، پشاور / یک نامہ
- سید فرہاد جعفری / لبنان، بیروت / یک نامہ
- قرامز تمنا / ایران، تهران / یک نامہ
- غنیف باختری / افغانستان، مزار شریف / دو نامہ
- پونہ ندایی / ایران، تهران / یک نامہ
- سلمانعلی زکی / ایران، تهران / یک نامہ
- محمد اسحاق اخلاقی / ایران، مشهد / یک نامہ
- مؤسسہ شہید مزاری (محمد صابر عرفانی) / ایران، قم / یک نامہ
- سرور آذرخش / پاکستان، پشاور / یک نامہ
- محمد اسماعیل اکبر / پاکستان، پشاور / یک نامہ
- محمد عارف جاوید / ہلند / یک نامہ
- عبدالقادر همیقا / پاکستان، پشاور / یک نامہ
- پرتو نادری / پاکستان، پشاور / یک نامہ
- مرکز نشراتی آرش / پاکستان، پشاور / یک نامہ
- محمود حکیمی / پاکستان، پشاور / یک نامہ
- مرکز مطالعات و تحقیقات افغانستان / ایران، مشهد / یک نامہ
- فریدون وارستہ / ہلند / یک نامہ
- دکتر اکرم عثمان / سویدن / سہ نامہ
- برہان ابدالی / ایران، قم / یک نامہ
- انجمن فرهنگی رھبر شہید / ایران، قم / یک نامہ
- عباس پویا / آلمان، هامبورگ / یک نامہ
- دکتر علی رضوی / امریکا / یک نامہ
- عید محمد اعتمادی / ایران، تهران / یک نامہ
- بتول سیدحیدری / ایران، اصفہان / یک نامہ
- جمعی از دانشجویان افغانستانی بیرجند / ایران، بیرجند / یک نامہ
- رھنورد زریاب / فرانسه، مون پلہ / دو نامہ
- رجبی / انگلستان، لندن / یک نامہ
- حسینعلی / ایران، تهران / یک نامہ
- داوود حکیمی / ایران، تهران / یک نامہ
- داوود حکیمی / ترکیہ، استانبول / یک نامہ
- گلنور بہمن / پاکستان، پشاور / یک نامہ
- غلامرضا عبداللہ زادہ / ایران، تبریز / یک نامہ
- رزاق مأمون / پاکستان، پشاور / یک نامہ
- زیبا رحیمی / ایران، قم / یک نامہ
- محمد اسحاق فیاضی / ایران، قم / یک نامہ
- حسینعلی لعلی / ایران، قم / یک نامہ
- بہروزی / تروژ / یک نامہ
- دکتر وکیل نشأت / روسیہ / یک نامہ
- احمد نعیم ہیرمندزاد / ایران، زابل / یک نامہ
- حمیداللہ عبیدی (مدیرمسؤول مجلہ آسمایی) / آلمان / یک نامہ
- دکتر سید عسکر موسوی / انگلستان، آکسفورد / یک نامہ
- نعمت حسینی / آلمان / یک نامہ
- جمعہ جعفری / ہند، دہلی / یک نامہ
- مدیر مسؤول نشریہ سحر / پاکستان / یک نامہ
- دکتر سلطان حمید سلطان / ایران، قزوین / یک نامہ
- مهندس محمد نذیر (علی) تنویر / ہلند / یک نامہ
- رؤیا مقصودی (سرپرست بخش سفارشات و نشریات اداری کتابخانہ منطقہ ای علوم و تکنولوژی شیراز) / ایران، شیراز / یک نامہ
- ہفتہ نامہ ہمبستگی / ایران، قم / یک نامہ
- قادر مرادی / ہلند / یک نامہ
- محمد آصف، مدیر کل مرکز فرهنگی اسلامی افغانستان / پاکستان، پشاور / یک نامہ
- مصطفی حسام / ایران، اصفہان / یک نامہ
- نبیلہ معصومی / امریکا / یک نامہ
- اسرار احمد / آلمان، هامبورگ / یک نامہ
- حمیدہ پازوکی / ایران، تهران / یک نامہ
- محمد باقر دھقان زادہ (رئیس ادارہ بین المللی آستان قدس رضوی) / ایران، مشهد / یک نامہ
- سید عباس کوثری / ایران، اصفہان / یک نامہ
- کریمی / ایران / یک نامہ
- سید محمد ضیاء قاسمی / ایران، تهران / یک نامہ
- رضا خزایی / ایران، مشهد / یک نامہ
- دکتر سید علی اردلان (معاون کل مرکز خراسان شناسی) / ایران، مشهد / یک نامہ
- مرکز فرهنگی کوثر / ایران، مشهد / یک نامہ
- ولی احمد شاکر / ایران، مشهد / یک نامہ
- محمد آصف جوادی / ایران، قم / یک نامہ
- معصومہ کوثری / ایران، اصفہان / دو نامہ
- علی محمد برادران رفیعی (رئیس کل کتابخانہ مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی) / ایران، مشهد / یک نامہ
- غلامرضا عبداللہ زادہ / ایران، تبریز / یک نامہ
- ذبیح یوسف زادہ / ایران / یک نامہ
- قاسم جعفری / یک نامہ
- مجتمع فرهنگی آموزشی امام علی / ایران، زابل / یک نامہ
- اسداللہ ولوالجی / پاکستان / یک نامہ
- سید عبداللہ احدی / پاکستان، پشاور / یک نامہ

